تثبیت استحباب صوم یوم الشک در شرع توسط شارع

41:50

شاگرد: عرفی نبودن این کار مفسده است؟

استاد: نه، از این باب که نظم را به هم میزند و ... . البته در جلسه قبل یکی از آقایان مطلبی را گفتند و من اشاره کردم که در اینجا نمیشود. گفتند اگر طوری شد که نوع مردم دارند یوم الشک را روزه میگیرند و اصلاً دیگر دارد رسم میشود، گفتند ما باید بگوییم که روزه نگیرید. حرفی هم نیست. ولی در مانحن فیه اگر طوری شد که رسم شد یوم الشک را روزه بگیرند، اینجا از موارد نیست که بگوییم حالا لازم است که آنها را منع کنیم چون روزه یوم الشک نظم را به هم میزند، سهولت را از بین میبرد و ... . این از آن موارد نیست. توضیحش در یک کلمه است. من همیشه مثال آن را زدهام. مثل قنوت است.

سؤال؛ قنوت در نماز واجب است یا مستحب؟ شک ندارید که مستحب است. حالا اگر بین رسم شد و بین شیعه میخ آن کوبیده شد؛ طوری شد که اگر یکی از عوام شیعه قنوت نخواند میگوید من یادم رفت قنوت بخوانم، نمازم را اعاده کنم؟! چنان میخ قنوت و جزئیتش برای نماز بین عمل مستمر مردم کوبیده میشود که مردم عوام با آن معاملهٔ وجوب میکنند. الآن لازم است که به هم بزنیم و بگوییم نخوانید، ترک کنید؟! ائمه جماعت مدتی در نمازتان قنوت نخوانید تا عوام بفهمند که مستحب است؟ الآن لازم هست یا لازم نیست؟ من عرض میکنم واضح است که لازم نیست. چرا؟ بهخاطر اینکه شارع در پشتوانه و مقصودی که داشته، کار خودش را انجام داده و مستقر شده. یعنی الآن از ناحیه اینکه قنوت جزء مستحبی نماز است، یک پشتوانه قوی علمی مستقر داریم. خب اگر همه مردم میخوانند بخوانند، چه بهتر که دارند مستحب انجام میدهند. احتمال این نیست که با سیره شدن این، زمانی بیاید که بگویند قنوت جزء نماز شد. چون پشتوانه آن، که ندبیت قنوت است، از نظر مدیریت عمل مردم استقرار دارد. یعنی به محض اینکه هر کسی بگوید من قنوت را نخواندم، میگویند که مستحب است.

شاگرد: احتمال آن در اذهان مردم یا در کتابهای فقهی؟

استاد: کتابهای فقهی پشتوانه رفتار مردم است. یعنی وقتی یک کاری تکرار میشود به محض اینکه مردم در یک اصطکاک و چالشی قرار میگیرند که من نخواندم، به خبره مراجعه میکنند.

شاگرد: در کتب فقهی واضح است که مستحب است، اما شما گفتید در اذهان مردم هست که واجب است.

استاد: فلذا لازم نیست به ائمه جماعت بگوییم قنوتها را ترک کنید تا مردم بفهمند که واجب نیست. چرا؟ چون از حیث پشتوانه استحباب قنوت شارع به مقصود خودش رسیده که ذرهای شرع تکان نمیخورد. همین حرف هم در مانحن فیه هست. این عرض من است: اگر یک زمانی بیایی که همه مردم روزه سوم الشک را بگیرند هیچ مشکلی ندارید. چرا؟ چون شارع از روز اول، با این قضیه کاری کرد که حتی بین اهلسنت، قول به حرمت سوم الشک مانده است. یعنی به هر کسی در هر شرائطی مراجعه شود که صوم سوم الشک چیست؟ میگویند برخی که میگویند حرام است. یعنی با حرمت چه میخی را کوبیده است. و لذا قرار نیست مردم در یک زمانی توهم کنند که باید روزه سوم الشک را بگیرند. میخ استحبابش کوبیده شده است. اگر همه خواستند عمل کنند، عمل کنند. لذا حرفی که در جواب آقا عرض کردم که ما نحن فیه به این صورت نیست، مقصودم این بود. این حاصل عرض من برای این بود. لذا در مانحن فیه اگر همه هم بگیرند، دیگر حاکم شرع نیازی نیست که بگوید من از باب حاکم شرع حکم میکنم که امسال سوم الشک را نگیرید، چرا؟ چون پشتوانهاش استقرار پیدا کرد. شارع در یک مقطع زمانی نسبتاً معتنیبه میخش را کوبیده، بهنحوی که دیگر شما نمیتوانید از بدنه اهلسنت، فتوای حرمت و نهی و وجوب اعاده را بردارید.

شاگرد: یعنی میفرمایید وقتی شارع با یک مستحبی مخالفت میکند که آن را انجام ندهیم، جایی نیست که دارد برای اذهان مردم جا میافتد که مستحب واجب است، جایی است که دارد در اذهان فقها و روایات اینطور میشود.

> 47:03

استاد: بله، احسنت. آن وقتی است که ابتدای کار است. شبیه آن در نماز شده است. چرا الآن شیعه مصرّهستند، با اینکه در کتب فقهی شیعه این است که مستحب است بین نمازها فاصله بندازید؟ اما عملاً مصرّهستند که نمازها را با هم بخوانند؟ اهلسنت در کل بلادشان پنج اذان میگویند و اما شیعه سه اذان میگویند. چرا بر این اصرار دارند؟ بهخاطر اینکه میگویند حتی علماء شما کاری که پیامبر خدا میخش را کوبیدند، علماء شما مسیر اشتباهی رفتند. وقتی میگویید قبل از زمان نماز عصر، نماز عصر بخوانیم یا نه؟ گفتند که علماء ما از روایت صحیح اعراض کردهاند. در صحیح مسلم آمده «جمع رسول الله صلیاللهعلیهوآله بین الظهر و العصر بالمدینة من غیر خوف و لا علة لیوسع علی امته». در صحیحترین کتبشان است. علماء آنها و ائمه اربعه آنها فتوا دادهاند و به این روایت صحیح عمل نکردهاند. خب لازمه آن چیست؟ الآن به یک سنی میگویید خب نماز ظهر که خواندی، عصر را هم بخوان، میگوید وقت نشده است. این وقت نشدن، معنایش این است که علمائشان هم به این صورت شدهاند، لذا شیعه میگوید ما جمع میکنیم تا بدانید که وقت شده است. جیلی از امت السلامیه نماز عصر را میخوانند، تا بگوییم که وقت شده، چرا میگویید که وقت نشده است. اگر گفتند فاصله بیاندازید افضلیت بود، نه عدم دخول وقت. چقدر تفاوت میکند! لذا ما در نماز این کار را میکنیم تا کار اشتباهی که همه آنها انجام دادهاند رفع شود. اما در صوم سوم الشک، مبتلا به چنین چیزی نیستیم، نیازی نیست که در صوم سوم الشک اینچنین کاری را بکنیم. اگر همه مردم صوم سوم الشک را روزه گرفتند، بگوییم که نگیرید، نه مشکلی نیست. ما از ناحیه پشتوانه این حکم اصلاً در بدنه مسلمین ابهامی نداریم. آنها میگویند که سوم الشک حرام است. شارع این قدر محکم کاری کرده که صوم سوم الشک بهعنوان واجب جا نگیرد و استحباب آن روشن و واضح باشد.

این بحث تمام شد. از روایت شریفه اینطور برآمد که اگر سنت را بر محمل داعی به داعی بگیریم، تنها وجهی که در بطلان صوم او که میگوید «علی انه من شعبان»، به ذهن میآید، نهی در عبادت است. آن هم با تفصیلاتی که دارد؛ همه یک دست نیستند. جدهای از مفتین گفتهاند که اگر علی انه من رمضان هم روزه بگیرد، نه فقط متاخرین، قدیمین –ابن جنید و ابنعقیل- هم گفته بودند روزه او درست است. یعنی هم قدیما فتوا بود و هم در محشین عروه کسانی بودند که گفته

بودن جائز است.

انشاءالله جلسه بعدی برای کل رواایات باب جمع‌بندی می‌کنم. اگر دیدی کافی است، در جلسه بعدی به جزوه‌ای که مشغول بودیم می‌رویم. جمع‌بندی رواایات را انشاءالله در یک جلسه عرض می‌کنم. مربوط به چهار بابی است که قرار بود نگاه کنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 20 مه 2026 12:08:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2026 12:09:33 توسط ... .